نگاه

مصباح‌یزدی در دیدار با «هادیان سیاسی سپاه»:

دنبال این هستند که زمینه رفراندوم برای کنارگذاشتن ولی فقیه را آماده کنند

● آیت‌الله مصباح‌یزدی در دیدار با «هادیان سیاسی سپاه» که یکم دی در مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره) انجام شد، سخنانی بیان کرد که متن آن روز گذشته در پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح منتشر شد. گزیده این سخنان در پی می‌آید:

● بسیاری از شخصیت‌های معروف و مسئول در کشور ما به این امر معتقد شده‌اند و حتی آن را ترویج کرده و در کتاب‌ها و سخنانشان به صراحت بیان می‌کنند که دین اسلام هم باید سکولار باشد؛ یعنی سیاست و اقتصاد و نظایر آنها ربطی به دین ندارد، بلکه باید توسط رجال سیاسی و اقتصادی که در این زمینه تحصیل کرده‌اند، اداره شود؛ وگرنه عالم دینی را چه به سیاست و اقتصاد؟! آنها معتقدند اینکه از دین توقع داشته باشیم روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطات و نظایر آن را بیان کند، توقعی بیش‌ازحد و غیرقابل‌قبول است؛ حتی برخی سکولارها می‌گویند دین در روابط زن و شوهر و اعضای خانواده نیز نباید دخالت کند؛ بلکه آداب و رسوم و اقتضائات جامعه در هر زمانی این روابط را توجیه و مشخص می‌کند، بنابراین می‌بینیم در جوامع غربی، زن و مردی که در دو شهر مختلف زندگی می‌کنند و فقط گاهی همدیگر را ملاقات می‌کنند، زن و شوهر به حساب می‌آیند که متأسفانه این موضوع در ایران نیز در حال مطرح‌شدن است.

● از روز رحلت پیامبر اکرم (ص)، سکولاریسم در اسلام ظاهر شد، هنوز پیامبر (ص)، دفن نشده بود که عده‌ای درصدد تعیین جانشین برای او برآمدند؛ یعنی معتقد بودند تعیین جانشین، امری غیردینی است و ربطی به دین ندارد! بنابراین خودشان اقدام به تعیین جانشین پیامبر کردند. حتی در میان کسانی که علی (ع) را خلیفه بعد از پیامبر (ص) می‌دانستند، اختلاف به‌وجود آمد و حتی بین کسانی که ۱۲ معصوم را به عنوان امام قبول دارند، درباره موقعیت دین در عصر غیبت اختلاف وجود دارد و عده‌ای معتقدند در چنین شرایطی ولی فقیه مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده دارد و عده‌ای معتقدند که زمان غیبت ربطی به دین ندارد و دین در این زمینه چیزی نگفته است!

● در روایات، مخالفت با ولی فقیه در حد شرک بالله عنوان شده است، عده‌ای می‌گویند حکومت اسلامی معنا ندارد و ما فقط امامت داریم که آن هم محدود در ائمه معصومین (ع) است.

● امروز نظام اسلامی برپا شده و قانون اساسی نیز براساس اسلام و ولایت فقیه نوشته شده است؛ حال نوبت ماست که قدر این نعمت را بدانیم و امتحان خود را پس بدهیم و اولین شرط امتحان این است که بدانیم چه کسی، چرا و چگونه می‌خواهد آن را از ما بگیرد و چگونه باید از این میراث محافظت کنیم؟

● فوکویاما (از بزرگ‌ترین تئوریسین‌های آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) می‌گوید: بزرگ‌ترین خطر علیه آمریکا و غرب، اسلام است و مهم‌ترین گروه از مسلمانان نیز شیعه است و در این بین شیعیان خمینی (ره) بیش از همه برای منافع غرب خطرناک‌اند، بنابراین از همان زمان برنامه‌ریزی کردند که برای مبارزه با انقلاب اسلامی باید تشیع را از بین ببرند و البته محور آن تشیع نیز ولایت فقیه است که باید اول آن را تضعیف کنند. دشمن قصد دارد ابتدا با تضعیف ولایت فقیه و شخص ولی فقیه زمینه را فراهم کند و کار بعدی آنها زمینه‌سازی برای حذف ولایت فقیه با رفراندوم است، بنابراین راهکارهایی هم برای تضعیف ارائه داده‌اند!

● نوک پیکان حملات دشمنان متوجه ولایت فقیه است، دشمنان از طرفی سعی می‌کنند با کسانی که فریب‌دادن آنها ساده‌تر است، ولایت‌فقیه را تضعیف کنند؛ از طرف دیگر نیز سعی می‌کنند با به‌دست‌آوردن نقطه ضعفی از شخص ولی فقیه یا خانواده‌اش، آن را بزرگ‌نمایی کنند؛ البته خداوند متعال به‌قدری این بزرگ‌مرد را حفظ کرده که دشمنان حتی یک نقطه ضعف کوچک هم نمی‌توانند از وی بیابند. امروز باید اولا آگاهی خود را بالا ببریم تا در برابر شبهات، اعتقادمان را از دست ندهیم و در وهله بعد آنها را پاسخ داده و جوانان را نیز آگاه کنیم.

● دشمن، روزبه‌روز نسبت به کارآیی نظام مبتنی بر ولایت فقیه آگاه‌تر شده و با هزاران توطئه به‌دنبال تضعیف ولایت فقیه است، حتی افرادی در داخل به دنبال این هستند که از طریق قانونی و با عنوان نمایندگان خبرگان رهبری، زمینه رفراندومی برای کنارگذاشتن ولی فقیه را آماده کنند؛ البته باید توجه داشت کسانی که زمینه رفراندوم را فراهم می‌کنند، برای بعد از آن هم برنامه‌ریزی کرده‌اند، بنابراین توجه داشته باشیم که خطر امروز خطر نظامی نیست، خطر فرهنگی و فکری است.

politics@sharghdaily.ir

در رقابت انتخابات نقل و نبات پخش نمی‌کنند

ادامه از صفحه ۶

اگرچه تفکر لیبرالیستی و لیبرالیزه‌کردن ایران در بازرگان و بنی‌صدر هم بود، ولی اوج آن از سال ۶۸ شروع شد که تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها به رأس کار آمدند. از آن زمان بحث نگاه به بیرون، نگاه به آمریکا و غرب، نگاه دیگری شد. اگر خاطرتان باشد، بحث «ژاپن اسلامی» مطرح شد. بحث الگوگیری از ترکیه و مالزی مطرح شد. شاهد بودم آقای مهاجرانی، می‌گفت اصلا ما آرزویمان این است که کشوری مثل مالزی شویم. حتی ایشان می‌گفت: «شما چرا اصرار دارید که خانم‌ها روسری سرشان باشد. من در مالزی شاهد بودم که خانمی بی‌حجاب، سجاده دستش بود و داشت به نماز جمعه می‌رفت». این مدل، مدل مالزی است نه مدلی که مدنظر امام بود یعنی مدل علوی. یا ژاپن اسلامی مطرح شد که ما حداکثر به ژاپن برسیم، یا بشویم مالزی و ترکیه که خیلی‌ها هنوز آن مدل را ترویج می‌کنند. از آن زمان رهبری اصطلاحاتی را به‌کار بردند؛ «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، در مقطعی مدل «یلتسینی» مطرح شد و گفتند آقای «خاتمی»، «گورباچف» است و نیاز به یلتسین دارد که آقا این قضیه را افشا کردند و فرمودند که نه آقای خاتمی گورباچف است و نه یلتسین مطرح است. در جای دیگری فرمودند اگر افراطیون ادامه دهند، مطمئن باشند که صلح امام‌حسن(ع) نخواهد بود و حادثه عاشورا تکرار می‌شود. بعد از آن «استحاله سیاسی» و «استعمار فرانو» در ادبیات ایشان مطرح شد. «ناتوی فرهنگی»، «براندازی نرم»، «نبرد نرم» مطرح شد و آخرین اصطلاحی که ایشان در چند ماه اخیر مطرح کردند، «جنگ نرم» بود. واقعیتی را در دنیا می‌بینیم به نام جنگ نرم؛ خیلی از دولتمردان ما این واقعیت را نمی‌خواهند بپذیرند؛ حتی در گذشته هم دولتمردان کارگزاران می‌گفتند جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در کار نیست و آن را انکار می‌کردند. این یک بحث است اما ما چه می‌گوییم؛ آنچه از ادبیات مقام معظم رهبری و تجربه ۳۶ سال به دست آوردیم، این است که آمریکا به دنبال سلطه بر جهان و به‌خصوص منطقه غرب آسیاست، یعنی قلب عالم منطقه، غرب آسیا است و آمریکا به دنبال سلطه بر این منطقه بوده و خطر را اینجا می‌بینند. کانون این منطقه هم ایران است. آمریکا سه راهبرد را برای براندازی به‌کار می‌برد؛ راهبرد اول، «تهدید نظامی» بوده، راهبرد دوم «تحریم» و راهبرد سوم «تعامل» است. اینها در عرض هم هستند و هدفشان همان براندازی است. اما راه‌ها متفاوت است، یک زمان از طریق تهدید است و طریق دیگر «تحریم» و راه دیگر «تعامل». همان‌طور که در چین و شوروی اتفاق افتاده است. یکی از سیاست‌مداران آمریکا می‌گوید که «ما در آن دوره با «ریگان» اختلاف‌نظر داشتیم. ما به آنها می‌گفتیم لازم نیست شوروی را با بمب اتم یا بمباران از بین ببریم، ما دوستان زیادی را در شوروی داریم». آقای «ریگان» معتقد به برخورد نظامی است و این رجل سیاسی می‌گوید ما دوستانی در شوروی داریم که با اندیشه ما همراه هستند و با تقویت آنها در عرصه سیاسی و عملیات فرهنگی می‌توانیم امپراتوری شوروی را زمین بزنیم.

می‌خواهم این را عرض کنم که دو حزب حاکم در آمریکا در شیوه‌ها با هم تفاوت دارند. حزب جمهوری‌خواه با شمشیر سر می‌برد و حزب دموکرات با پنبه. آن چیزی که امروز آنها دنبال می‌کنند، راهبرد «تعامل» است. تعامل یعنی پذیرش قسمتی از خواسته‌های ایران. تعامل با جنگ فرق می‌کند، چون هدفش فراهسته‌ای است. بخشی از خواسته‌های ما را در مسئله هسته‌ای می‌پذیرند. برای ورود به عرصه‌های دیگر، می‌خواهند با تعامل وارد شوند. هدف آمریکا را باید بشناسیم. هدفشان این است که جای پایی پیدا کند و از این طریق بتواند به اهداف خودش برای براندازی برسد. باید مسئله هسته‌ای را از مسائل فراهسته‌ای جدا کنیم. فراهسته‌ای ما، عمق استراتژیک ما است؛ یعنی آن چیزی که با آمریکا اساسا اختلاف داریم در تقابل قدرت و نفوذ ما در منطقه غرب آسیاست. در جنگ جهانی اول و دوم ببینید آمریکایی‌ها چه کردند که به این قدرت رسیدند. در جنگ جهانی اول، آنها مدتی بی‌طرف بودند و بعدا وارد شدند و به‌عنوان فاتح از جنگ بیرون آمدند که پس از مدتی اقتصاد آمریکا دچار بحران شد. ولی در جنگ جهانی دوم آمریکایی‌ها توانستند خیلی بدرخشند و متفقین را در دست گرفتند و اروپایی‌ها یعنی انگلیس و روس کامل در خدمت آمریکا درآمدند. می‌خواهم عرض کنم که آمریکایی‌ها این سلطه و هژمونی را به هیچ قیمتی حاضر نیستند از دست بدهند. اینکه با ما تعامل کنند به این معنا که یک سهم ما داریم و یک سهم آنها یا بخواهیم در عرصه جهانی نفوذ خود را حفظ کنیم و آمریکا بگوید من همه چیز شما را قبول دارم، اصلا این‌گونه نیست. این با ذات و اقتدار استکباری آمریکا سازگاری ندارد. ببینید آنها شوروی و یوگسلاوی را تحمل نکردند و یوگسلاوی کلا از صحنه روزگار محو شد. آمریکا در ۵۰ سال گذشته به ۲۲ کشور حمله کرده است. در امور داخلی و سرنوشت ۱۵، ۱۶ کشور دخالت کرده است. بعد آمریکا بگوید که توبه کردم و می‌خواهم با شما کنار بیایم این خیال باطل و ساده‌لوحی است که تصور شود آمریکا دست از شرارت برداشته است. تعامل باید محدود، هدفمند و هوشمندانه باشد. باید دید آمریکا دنبال چیست؟ اولین هدف این است که از لحاظ هسته‌ای ما را محدود کند. آنها چرا با ما وارد معامله شدند؛ چند دلیل داشت؛ دلیل اول این بود که به این نتیجه رسیدند که حمله نظامی کارایی ندارد. دومین دلیلی که به سراغ مذاکرات آمدند؛ این بود که سازمان تحریم‌ها بهم ریخته بود. آقای «کری» چند بار گفته بود که اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، سازمان تحریم‌ها بهم می‌ریزد. همین‌طور هم بود؛ چون اروپایی‌ها بریده بودند و اگر تحریم‌ها ادامه پیدا می‌کرد، خود به خود از هم می‌پاشید. آمریکایی‌ها نمی‌توانستند به هر قیمت اروپا را با خود همراه کنند. سومین دلیل این بود که تحریم نتیجه معکوس داد. چون هم سانتریفیوژهایمان به ۱۸ هزار عدد رسید و هم سطح غنی‌سازی به ۲۰ درصد. چهارمین دلیل هم گستره نفوذ ما بود. آمریکا دید که در حال تحریم، هم در بحث هسته‌ای تقویت شده‌ایم و هم در منطقه نفوذمان گسترش پیدا کرده. در منطقه شاهد هستید که نفوذ ما در غرب آسیا خیلی گسترش پیدا کرده است. این بهترین زمان بود تا بیایند با ما تعامل کنند. ما هم برایمان مصلحت بود که در این زمان وارد این موضوع شویم که دولت طالب این مسئله بود و رهبری معظم انقلاب هم با شرایطی پذیرفتند وارد بشویم. حالا بحث این است که آمریکایی‌ها در بحث مذاکرات به اهداف زیادی رسیدند و ما هم به اهدافی مثل حداقل غنی‌سازی و پذیرش حق غنی‌سازی رسیدیم و همان شرایطی که رهبری در نامه‌شان فرمودند، باید مورد توجه باشد؛ یعنی عبور مشروط از هسته‌ای؛ همان حرف کسانی که آرمان‌های رهبری را دنبال می‌کنند. آمریکایی‌ها از این پس دو هدف اساسی را دنبال می‌کنند؛ یکی عبور از هسته‌ای به فراهسته‌ای برای حل مسائلشان در منطقه غرب آسیا؛ یعنی ما در منطقه محور نباشیم و از مقاومت دفاع نکنیم؛ مثلا با غزه قطع ارتباط کنیم و با عراق رابطه استراتژیک نداشته باشیم. این خواسته آمریکاست که قطعا دنبال می‌کند. هدف دوم نفوذ است؛ یعنی ورود در عرصه حاکمیت به صورت مرحله‌ای. سه نوع نفوذ را در تاریخ شاهد بودیم؛ یکی نفوذ سیاسی است، یعنی نفوذ در جرگه تصمیم‌گیران یا نفوذ در جرگه تصمیم‌سازان؛ اینجا بحث نفوذپذیری پیش می‌آید که آیا کسانی در داخل هستند که زمینه نفوذ را فراهم کنند یا خیر. نوع دوم نفوذ اقتصادی است؛ یعنی فتح بازار ایران. اینجا واقعا خیلی دقت لازم است. بنده معتقدم به ما تکنولوژی راهبردی نخواهند داد. یک نرم‌افزاری که از سوی سازمان بسیج تهیه شده بود، صنایع مستقل و صنایع وابسته را مقایسه کرده بود. نمونه عرض کنم که می‌گفت ما در صنایع وابسته از پیکان به پراید رسیدیم. اما در صنایع و تکنولوژی مستقل، از توپخانه شروع کردیم و به موشک بالستیک رسیدیم. دشمن به ما تکنولوژی نخواهد داد که بتوانیم روی پای خودمان بایستیم. دشمن دنبال اقتصاد مقاومتی نیست، بلکه دنبال اقتصادی مانند اقتصاد مالزی است. آقای ماهاتیر محمد می‌گفت ما در خواب که بودیم، اقتصادمان فروریخت. اقتصاد مقاومتی این است که با تلنگر، یک کشور فرو نریزد.

نکاتی که شما می‌فرمایید درست است؛ ولی عرضم این بود چگونه باید فضا مدیریت شود که به بهانه مبارزه با نفوذ، فضای انتقاد و آزادی بیان در کشور محدود و کم نشود.

انتقاد چه کسانی؟ انتقاد راجع به چه موضوعی؟

مثلا من روزنامه‌نگار، مطلبی که می‌نویسم و انتقادی به فلان دستگاه و فلان سیاست انجام می‌دهم، این موضوع نشود که بگویند ما داریم جلو نفوذ را می‌گیریم و شما راجع به این قضایا و مباحث انتقاد نکن. چون مقام معظم رهبری هم چندی پیش گفتند استفاده جناحی از موضوع نفوذ، کار اشتباهی است.

ببینید هر وقت که آقا مطلبی را بفرمایند به جای اینکه دولتمردان، کارگزاران و مسئولان ما آن مطلب را درست متوجه شوند و دنبال تحقق خواسته ایشان باشند، حاشیه‌هایی به آن می‌زنند، این نوعی بداخلاقی است. من نمی‌دانم چه کسانی سوءاستفاده جناحی کردند. کدام روزنامه‌ها، در کدام سخنرانی‌ها، در کجای کشور از این مطلب آقا سوءاستفاده کردند و به چه کسانی حمله کردند؟ ما یک دشمن فرضی درست می‌کنیم و به آن حمله می‌کنیم و نمی‌دانیم منظور کیست. البته آن کسانی که حمله می‌کنند، می‌دانند جریان چیست؛ برای اینکه حساسیت مطلب را کم کنند و بگویند اصلا نفوذ یعنی چی؟ و آن هم نفوذی که از آن استفاده جناحی می‌کنند. خب، کجا از نفوذ استفاده جناحی کردند؛ کدام حزب این کار را کرده؟ جامعه روحانیت حرفی زده یا جامعه مدرسین؟ من هرچه فکر کردم و روزنامه‌ها و سایت‌ها را دیدم، نتوانستم بفهمم چه کسانی از نفوذ استفاده جناحی کردند. تحلیل نفوذ، به معنای سوءاستفاده جناحی از نفوذ نیست. اینکه مطالبی را مثل بنده باز کنند و از ابتدا تا انتها بگویند آمریکا در دنیا چه کرده و چگونه امپراتوری شوروی را ساقط کرده، یا بگویند ابعاد نفوذ، شیوه‌ها، ابزار و بستر نفوذ چیست، آیا اینها استفاده جناحی از نفوذ است؟ اگر این استفاده جناحی است، پس هیچ‌کس درباره فرمایشات آقا نباید حرفی بزند و به‌هرحال ایشان درباره نفوذ صحبت کردند و ۷۰ بار از واژه نفوذ در بیانات و ادبیاتشان استفاده کردند. خب، نفوذ یک واقعیتی است و این واقعیت را چه کسانی باید تبیین کنند؟ یکی از آنها صداوسیماست که باید تبیین کند اصلا نفوذ چه چیزی هست؟ باید تبیین کنند که ابعاد، مخاطب و بستر نفوذ چیست؟ تفاوت جنگ نرم با جنگ سخت چیست؟ روزنامه‌ها هم همین‌ها را باید بیان کنند. آن روزنامه‌هایی که نسبت به مسائل اصولگرایی و دیدگاه‌های امام و مسائل دیگر ذهنیت دارند، به این مسائل که نمی‌پردازند. آنها اصلا نفوذ را قبول ندارند. وقتی هم که این طرف یعنی کسانی که ولایتمداری را از جان و دل پذیرفته‌اند و دنبال تحقق آرمان‌های ایشان هستند و نگران آینده انقلاب هستند، می‌آیند نفوذ را تبیین می‌کنند، بعد به اینها حمله می‌کنند که شما دارید از نفوذ سوءاستفاده جناحی می‌کنید. خب بالاخره چه کار کنند؟ آن طرف چیزی نمی‌گوید؛ کدامشان آمدند مسئله نفوذ را باز کردند؛ کدامشان آمدند سیر نفوذ را گفتند؛ کدامشان آمدند سقوط امپراتوری شوروی و اوکراین را گفتند که آمریکا در کشورها چه کرده است؟ آنها این کار را نکردند و توقع است که آنها هم این کار را بکنند. آنها کسانی که تحت عنوان جناح اصولگرا یا ولایتمدار یا دین‌مدار، این مباحث را مطرح می‌کنند، برای اینکه خرابشان کنند، می‌گویند سوءاستفاده جناحی از نفوذ می‌کنند. این بداخلاقی است؛ چه از طرف دولتمردان عالی‌رتبه باشد چه از طرف روزنامه‌نگاران و خبرنگاران باشد. این وظیفه همه است که موضوع نفوذ را تبیین کنند.

نکته

اگرچه تفکر لیبرالیستی و لیبرالیزه‌کردن ایران در بازرگان و بنی‌صدر هم بود، ولی اوج آن از سال ۶۸ شروع شد که تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها به رأس کار آمدند. آن زمان بحث نگاه به بیرون، نگاه به آمریکا و غرب، نگاه دیگری شد.

منافع ملی و اقتدار ملی جزو اصول مشترک همه است. همه مردم باید به آرمان‌های انقلاب و استقلال کشور پایبند باشند. ما که نمی‌خواهیم مثل تقی‌زاده و ملکم‌خان بستر نفوذ آمریکا را فراهم کنیم. تقی‌زاده می‌گفت «ما باید از نوک پا تا فرق سر غربی باشیم تا به تمدن برسیم و با اسلام که نمی‌شود به تمدن رسید». دنیا را ببینید؛ وضعی که امروز ترکیه، مصر و اقمار آمریکا دارند را با وضع خودمان مقایسه کنید؛ ببینید آنها جلوترند یا ما؟

مقام معظم رهبری در سخنان اخیرشان گفتند در مراکز تصمیم‌سازی امکان نفوذ وجود دارد. از طرفی امسال دو انتخابات خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی را پیش‌رو داریم و همه مسئولان کشور معتقدند انتخابات حساسی است. چقدر انتخابات را عرصه نفوذ می‌دانید؟

بحث نفوذ یک مسئله است و نفوذپذیری مسئله‌ای دیگر. دشمن دنبال نفوذ است ولی بحث نفوذپذیران و نفوذپذیری مسئله دیگری است. تهاجم فرهنگی واقعیت است ولی تهاجم‌پذیری مسئله دیگری است. چه جریانی بستر نفوذ را فراهم می‌کند؟ این مسئله مهمی است. استنباطم این است که در طول ۳۶ سال اخیر، دو دیدگاه درباره حاکمیت دینی مطرح است. یکی دیدگاه حضرت امام و رهبری معظم انقلاب بعد از ایشان که معتقدند ما به صورت مبنایی و بر اساس اصول و همچنین تجربه تاریخی، برای استقلال ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و حاکمیت اسلام و احیای اسلام در منطقه راهی جز ایستادگی مقابل استکبار نداریم. یعنی اگر بخواهیم روی پای خودمان بایستیم و اسلام را احیا کنیم، باید همین روش جهادی و مبارزاتی را ادامه دهیم و راهی غیر از این نداریم. نگاه دوم این است که ما اگر بخواهیم تعامل داشته باشیم و اقتصادمان روان باشد، باید در چارچوب نظام بین‌الملل با صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی حرکت کنیم و بر اساس مقررات جهانی باشیم. این نوع نگاه بر پنج حوزه سایه می‌اندازد. حوزه اول، اصول و مبانی است. مثلا آیا تقابلمان با اسرائیل، حمایتمان از مقاومت، دفاع از فلسطین، ایستادگی‌مان مقابل آمریکا مبنایی است یا رفرمیستی؟ امام می‌گوید ما آمده‌ایم این نظام بین‌الملل را تغییر دهیم و نگاه دوم می‌گوید باید با این نظام کنار بیاییم. به یکی‌شان می‌گوییم عقلانیت دینی و به دیگری عقلانیت سکولار. حوزه دوم سیاست خارجی است که این دو دیدگاه معمولا نوسان داشته و فرازونشیب در سیاست خارجی به دولت‌ها بستگی دارد. حوزه سوم فرهنگ است. یعنی مسائلی اعم از فضای مجازی، فیلم، کتاب، هنر، عادات، رسوم، احکام اسلامی، حجاب و... در حوزه فرهنگ جای می‌گیرند. ما در اینجا قائل به تساهل و تسامح باشیم یا ارزش‌های دینی را پیاده کنیم. در حوزه فرهنگ این دو دیدگاه مقابل همدیگر هستند. حوزه چهارم اقتصاد است؛ اقتصاد آزاد یا آزادی اقتصادی؛ این دو دیدگاه دو جنس است. دولتمردان ما در کارگزاران و اصلاحات و امروز به اقتصاد آزاد، عرضه و تقاضا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قائل هستند. آزادی اقتصادی با اقتصاد آزاد متفاوت است. حوزه پنجم تیم اداره کشور است. در حکومت دینی چه کسانی می‌توانند عهده‌دار وزارتخانه باشند. در حکومتی که دین باید در تاروپود نظام حاکم باشد و رفتار مردم بر اساس دین باید شکل بگیرد، از وزرا و استانداران چه توقعاتی هست؟

این دو دیدگاه شاخصه‌هایی دارند که متفاوت است. مثلا درباره مقاومت باید بایستیم و برای این کار باید از سوریه حمایت کنیم و برای حمایت از سوریه، خط قرمز ما آقای بشار اسد است. اما در نگاه دوم چنین حرفی وجود ندارد. در مورد فلسطین، اسرائیل، آمریکا و مذاکرات و همه مسائل همین‌طور است. آنهایی که می‌گویند مجلس آینده حساسیت دارد به خاطر این است که دولت یک نگاه برون‌زایی قدرت دارد؛ یعنی می‌گوید ما باید از بیرون زمینه حل مشکلاتمان را فراهم کنیم. درحالی‌که در چند مدت اخیر، به دفعات بحث «استحکام درونی نظام» و «درون‌سازی قدرت» را در کلام رهبری شاهد بودیم. یعنی استحکام درون‌زایی یا برون‌زایی قدرت؛ اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد وابسته به بانک جهانی. این دو دیدگاه است.

ادامه در صفحه ۱۹

منهای پایتخت

نشست‌های تحلیل فتنه ۸۸ در بیش از ۲۰۰ مسجد اراک

● **تسنیم- اراک:** محمدرضا رضایی، فرمانده سپاه ناحیه اراک، با اشاره به حادثه ۹ دی گفت: مردم در روز ۹ دی ثابت کردند که پای این انقلاب و این نظام ایستاده‌اند و بر تمام حوادث اتفاق‌افتاده آگاه و مدبر هستند. مردم ثابت کردند که حیله دشمن که هدف آن اصل نظام و ضربه‌زدن به نظام است را به‌خوبی درک کرده‌اند و در برابر آن واکنش نشان دادند. او افزود: در راستای بزرگداشت این روز عظیم و بزرگ، سپاه ناحیه اراک برنامه‌هایی در نظر دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به برگزاری مراسم تحلیل فتنه ۸۸ در بیش از ۲۰۰ مسجد از سوی ائمه جماعت در روز نهم دی اشاره کرد. او با اشاره به برنامه‌های دهه بصیرت گفت: همایش‌های نهضت روشنگری، سخنرانی‌های کشوری با حضور وزرای پیشین ارشاد، سیدمحمد حسینی، محمدحسین صفارهرندی و پیش‌کسوت بسیج، مجتبی رضازاده، نشست و جلسات در هیأت‌های عاشقان ولایت و منتظران از جمله برنامه‌های این دهه هستند. رضایی تصریح کرد: فعال‌سازی و به‌روزرسانی بیش از ۵۰ تابلو تبلیغاتی در سطح شهر و نشست‌هایی با موضوع ۹ دی از دیگر برنامه‌های درنظرگرفته‌شده برای این دهه است.

امام‌جمعه قم:

فتنه از آدم‌کشی بالاتر است

● **انتخاب:** حجت‌الاسلام سیدمحمد سعیدی، امام‌جمعه قم، در خطبه‌های نماز جمعه این شهر با اشاره به ۹ دی، روز بصیرت و میثاق امت با ولایت، گفت: فتنه گناه اجتماعی بوده و آثار شوم آن منحصر به آشوبگران نیست، ازاین‌رو قرآن فرمود فتنه از آدم‌کشی بالاتر است؛ خداوند دستور داده که برای ریشه‌کن‌کردن فتنه و فتنه‌گران باید با آنها برخورد کرد و آنها را کشت. او اضافه کرد: برای مقابله با فتنه بر اساس توصیه امام‌علی(ع) باید به فتنه‌شناس مراجعه کرد تا چشم فتنه را درآورده و آن را ریشه‌کن کند، در سال ۸۸ دشمن با سوءاستفاده از مسئله داخلی با کمک عناصر بازی‌خورده، آتشی را در پی انتخابات ریاست‌جمهوری به‌پا کرد که فقط درایت و متانت رهبری نظام و بصیرت و ولایت‌مداری توانست آتش فتنه را خاموش و بازی‌خوردگان را به حاشیه براند.